

## آغاز فعالیت مراکز شماره‌گذاری و تعویض پلاک در ۱۱ استان

رئیس مرکز شماره‌گذاری و تعویض پلاک پلیس راهور ناجا از آغاز فعالیت مراکز تعویض پلاک در ۱۱استان کشور خبر داد. سرهنگ علی محمدی با اشاره به اعلام تازه‌ترین رنگ‌بندی کروئایی شهرها از سوی ستادملی مقابله با کرونا گفت:از امروز پنج‌شنبه فعالیت مراکز شماره‌گذاری و تعویض پلاک آذربایجان شرقی، اصفهان، گیلان، مازندران، مرگزی، گلستان، کرمانشاه، قم، چهارمحال و بختیاری، همدان و یزد که از وضعیت قرمز به نارنجی رسیده‌اند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی آغاز خواهد شد. وی ادامه داد: چهار استان ایلام، آردبیل، بوشهر و سیستان



## مجازات شلیک مرگبار زندان و دیه

کارگر تأسیسات ساختمان که متهم است یکی از دوستانش را به قتل رسانده است به پرداخت دیه و زندان محکوم شد.

به گزارش جوان، ۱۰ آذر ۹۸، ناموران پلیس از کشف جسد مرد جوانی در خودروی وانت در جاده جاجرود وخابرو راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان می‌داد آن مرد با شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده‌است.

باانتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه مأموران دریافتند شروین آخرین بار به ملاقات یکی از دوستانش به نام فرهاد رفته‌ است.

با بدست آمد این سرخ، فرهاد ۴۰ساله بازداشت شد. او در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت اما با انکار شلیک عمدی گفت: «من و شروین سال‌ها همکار بودیم.

ما در ساختمان‌های نیمه‌ساز کارهای مربوط به تأسیسات را انجام می‌دادیم و در این سال‌ها هیچ مشکل و اختلافی نداشتیم.»

او در خصوص روز حادثه گفت: «آن روز من و شروین با هم شیشه مصرف کرده بودیم و حال طبیعی نداشتیم. شروین از من خواست برای تفریح به جاده جاجرود برویم. قبول کردم و وقتی به جاجرود رسیدیم او خودرو را متوقف کرد و کنار جاده ایستادیم. درحال صحبت بودیم که ناگهان شروین اسلحه‌ای که همراهش بود را از جیبش درآورد تا آن‌را به من نشان دهد. نمی‌دانستم اسلحه مسلح است و کار با آن را بلد نبودم. وقتی آن‌را از شروین گرفتم دستم را روی ماشه گذاشتم که ناخواسته یک تیر شلیک شد و به سر شروین خورد.»

متهم در آخر گفت: «خلی‌ترسیده بودم به همین خاطر بلافاصله از ماشین پیاده‌شدم و از ترس اسلحه را زیر ماشین انداختم. سپس با اورژانس تماس گرفت و فرار کردم.»

با ثبت این توضیحات متهم به اتهام قتل

عمده‌راهی زندان شد و پرونده در اولین جلسه روز میز هیئت قضایی شعبه چهارم دادگاه قرار گرفت.

در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس همسر مقتول در حالی که عکس شوهرش در دستانش بود ایستاد و گفت: «صاحب یک دختر چهار ساله و یک پسر هشت ساله هستم. سال‌ها در تهرانپارس مستأجر بودیم تا اینکه شش‌ماه قبل در رودهن خانه خریدیم و به آنجا پدرش را هم تهدید به قتل کرده بود. او محبت‌های شوهرم را نادیده گرفت و با بی‌رحمی شوهرم را کشت حالا مدعی است قبول کردم و وقتی به جاجرود رسیدیم او برای او درخواست قصاص داد.»

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و بار دیگر ماجرا را شرح داد و گفت قتل عمدی نبوده و قصد شلیک نداشته‌ است.

در پایان هیئت قضایی با توجه به مدارک موجود در پرونده متهم را از قتل عمدی تبرئه و به اتهام قتل شبه عمد به پرداخت دیه و سه‌سال زندان محکوم کرد.

این حکم با اعتراض اولیای دم به دیوان عالی کشور فرستاده شد تا اینکه با بررسی دوباره اوراق پرونده، سرانجام رأی صادره از سوی قضات یکی از شعبات آن مورد تأیید قرار گرفت.

### آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو سمند ال ایکس مدل ۱۳۹۹ پلاک ۹۳-۸۵۹ و ۷۱، ش موتور naac۹۱cxd۴۷۰۸۴۶۱
ش شاسی ۴۷۰۸۴۶۱، به نام: سید عبدالخالق موسوی خلاری، شماره ملی ۲۲۹۱۹۵۷۲۰۱
مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. / شیراز

### آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز سواری پراید مدل ۹۵ پلاک ۸۳-۹۷۵ س۴۱ ش موتور ۱۳۱۳۵۶۱۹۷۹۱، ش شاسی ۳۴۲۴۸۳۹۸۴g۴۱۱۱۰nas، به نام: سید مهدی موسوی فرزند سید حسن کد ملی ۲۴۸۰۰۴۴۶۱۰
مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. / شیراز

عاملان نزاع خونین شب چهارشنبه سوری سال قبل که پس از قتل پسر جوانی در تهران به تریکه فرار کرده بودند به ایران برگردانده شدند.

به گزارش جوان، ساعت ۴:۲۰ باامداد روز چهارشنبه ۲۷اسفندماه سال گذشته قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌ها باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

به‌نام‌بهادر روبه‌رو شدند که بااصابت ضربات چاقو به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد بهادر شامگاه قبل در مراسم شب چهارشنبه سوری همراه برادر و تعدادی از دوستانش در محله خزانه با دو برادر و یکی از بستگان آنها درگیری خونینی را رقم زده‌است که در جریان آن بهادر و دو نفر از طرف مقابل هم زخمی می‌شوند. پس از این حادثه بهادر برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود و تیم پزشکی هم تلاش زیادی برای نجات وی انجام می‌دهند اما چند ساعت بعد بر اثر شدت خونریزی روی تخت بیمارستان فوت می‌کند.

■ فرار به تریکه

بررسی‌ها حکایت از آن داشت مقتول بااصابت ضربات چاقوی دو برادر به قتل رسیده‌است و بدین ترتیب مأموران پلیس دو برادر را به نام‌های مهرداد و پیمان که یکی از آنها ساختمان ساز و دیگری پارچه‌فروش است به همراه نفر سوم به نام‌شهرخ که در درگیری حضور داشته بوده به‌عنوان مظنونان حادثه تحت تعقیب قرار دادند.

سپس مأموران برای دستگیری متهمان به خانه‌های آنها رفتند که دریافتند سه متهم پس از حادثه به صورت غیرقانونی به کشور تریکه گریخته‌اند.در یکی از شهرهای تریکه به صورت مخفیانه زندگی می‌کنند.

در حالی که تحقیقات از سوی مأموران اینترنتل برای شناسایی عاملان قتل ادامه داشت به کار آگاهان جنایی خبرسیدسه‌متهم چندروز قبل از سوی مأموران پلیس تریکه دستگیر شده و پس از چند روز قرنطینه در یکی از شهرهای مرزی کشور به مأموران پلیس ایران تحویل داده شدند.

بنابراین متهمان به دستور بازپرس پرونده برای تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند و به تهران منتقل شدند.

عاملان نزاع خونین پس از انتقال به دادسرای امور جنایی روبه‌رو قاضی ساسان غلامی به جرم خوداقرار کردند اما مدعی شدند که قصد قتل نداشته‌اند. مرد پارچه‌فروش در بازجویی‌ها مدعی شد که ابتدا برادر ساختمان سازش چند ضربه به دست مقتول زده‌است و او ادامه هم‌او در دفاع از خودش چند ضربه با چاقو به کتف مقتول می‌زند. متهمان در ادامه برای تحقیقات تخصصی در اختیار کار آگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

# حوادث

سورس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

### عاملان قتل چهارشنبه سوری از تریکه اخراج شدند

# راه فرار نداشتیم



#### گفت‌وگو باقاتل

**پیمان مقتول را می‌شناختی؟**

بله، بهادر بچه محل ما بود اما ما با او ارتباطی نداشتیم چون او همیشه دنبال درگیری بود و من و برادرم سرمان در کار خودمان بود و به کسی کاری نداشتیم.

**پس چرا با هم درگیر شدید؟**

بهادر همیشه مست می‌کرد و همراه دوستانش با دیگران درگیر می‌شد و چند روز قبل از نزاع خونین هم جلوی یکی از برادرمان را گرفته بود و با هم کل کل کرده بودند. برادرم به او گفته بود که «چرا تو همیشه مست می‌کنی و با دیگران دعوا می‌گیری» که بهادر ناراحت شده بود. واز ما کینه به دل گرفته بود.در نهایت هم شب حادثه با ما درگیر شد.

**درباره شب حادثه توضیح بده.**

شب چهارشنبه سوری بود.بهادر همراه برادرش و دوستانش مست کرده بودند. آنها به کوچه ما آمدند و فحاشی می‌کردند اما ما توجهی به آنها نکرديم چون مست بودند که تصمیم گرفتیم بیرون برویم و وقتی سوار خودروام شدیم آنها با ما درگیر شدند. آنها نارنجک دست‌ساز داشتند که به طرف ماشین من پرت کردند و حتی شیشه‌های خودروام و کاپوتش صدمه دید. سپس آنها سوار موتور سیکلت شدند و به راه افتادند که پس از طی مسافت کوتاهی زمین خوردند و دوباره به طرف ما برگشتند و این بار درگیری خونین رقم خورد.

**چرا از چاقو استفاده کردی؟**

ما چاقو نداشتیم اما آنها با چاقو به ما حمله کردند و برادرم با چوب دستی از خودش دفاع می‌کرد. مهرداد با برادر بهادر و من هم با بهادر درگیر بسودم. یک لحظه چاقو از دست برادر بهادر روی زمین افتاد که برادرم برداشت و چند ضربه به دست بهادر که با من درگیر بود زد و بعد هم آنها با چاقو ضربه‌ای به شقیقه برادرم زدند که او روی زمین افتاد. کشمشک بین من و بهادر ادامه داشت که چاقو از دست بهادر روی زمین افتاد و این بار من برداشتم و در دفاع از خودم چند ضربه به کتفش زدم اما قصد قتل نداشتم و فکر نمی‌کردم فوت کند.

**شما که فکر نمی‌کردی به قتل برسد**

**چرا فرار کردید؟**

ما بعد از اینکه زخم برادرم را در بیمارستان پانسمان کردیم از ترس به باغمان در کرج رفتیم که آنجا متوجه شدیم بهادر فوت کرده‌ است و بعد هم از خانواده‌اش ترسیدیم و تصمیم گرفتیم به تریکه فرار کنیم. و من و برادرم به‌ماکو رفتیم که شهرخ هم به‌ما ملحق شد البته او در درگیری نقش‌ی نداشت اما ترسیده بود و همراه ما شد. در مرز تهری از مرز صد دلار دادیم و قاچاق‌چی پر ما را به شهر ازمیر برد.در آنجا خانهای اجاره کردیم و به صورت مخفیانه زندگی می‌کردیم تا اینکه تصمیم گرفتیم خودمان را به پلیس معرفی کنیم.

**چرا؟**

پس از فرار عذاب وجدان رهایمان نمی‌کرد و هر لحظه کابوس می‌دیدیم و روز و شب آرامش نداشتیم. از صبح تا شب در خانه بودیم و از ترس بیرون نمی‌رفتیم به طوری که خسته شده بودیم و در نهایت به خاطر

اینکه فرار نداشتیم تصمیم گرفتیم به ایران برگردیم. یک نفر پیشنهاد داد نفری ۵۰میلیون تومان بسه او بدهیم تا ما را دیورت کند و قصد داشتیم به او پول بدهیم اما یک ایرانی دیگر گفت اگر خودمان را به پلیس معرفی کنیم و بگوییم که قاچاقی به تریکه آمده‌ایم آنها خودشان بدون گرفتن هیچ هزینه‌ای ما را به ایران باز می‌گرداند.

**بعده چه شد؟**

ما خودمان را به پلیس تریکه معرفی کردیم و آنها هم ما را به کمی که حدود ۲۰۰نفر مهاجر غیر قانونی داشت منتقل کردند و پس از چند روز ما را به مرز آوردند.در آنجا به خاطر بیماری کرونا ۱۰روز قرنطینه کردند و بعد تحویل مأموران پلیس ایران دادند. مأموران پلیس هم دوباره ما را ۱۰روز قرنطینه کردند و بعد به تهران منتقل کردند.

**حرف آخر.**

خیلی پشیمان هستیم و ای کاش آن شب با بهادر و دوستانش روبه‌رو نمی‌شدیم و اول‌آل زنده بود و ما هم زندگی عادی خودمان را داشتیم.



## نجات بز بازیکوش از چاه متروکه

یک رأس بز که به داخل چاه مترو که‌ای در جنوب تهران سقوط کرده بود با تلاش آتش نشانان از عمق ۱۵متری نجات پیدا کرد.

به گزارش جوان، در ساعت ۱۹:۴۹ شامگاه سه‌شنبه آتش نشانان ایستگاه ۵۰ سقوط یک رأس بز به چاهی در ولی‌آباد با خبر شده و در محل حاضر شدند. افراسیاب خیردست، فرمانده آتش نشانان گفت که یک رأس بز به علت نداشتن حفاظ

مناسب در اطراف دهانه چاه و نیز نبود در پوش، به یکباره به عمق ۱۵ متری این چاه سقوط کرده بود. صاحب بز هم تلاش کرده بود حیوان را از داخل چاه خارج کند و زمانی که ناساکم مانده بود آتش نشانان را از ماجرا با خبر کرده بود. وی ادامه داد: آتش نشانان پس از برپا کردن کارگاه روی دهانه چاه و استفاده از تجهیزات مخصوص نجات، وارد چاه شده و حیوان را بدون آسیب دیدگی به بیرون منتقل کردند و به صاحبش تحویل دادند.

## نجات مرد گرفتار از مسیل رودخانه

مردی که در تاریکی شب در مسیل رسالت گرفتار شده بود توسط آتش نشانان نجات یافت.

به گزارش جوان، ساعت ۲۰:۴۰ شامگاه سه‌شنبه چهاردهم اردیبهشت به آتش‌نشانی تهران خبر رسید مردی داخل مسیل رسالت در خیابان عبادی گرفتار شده است. با اعلام این خبر تیمی از آتش نشانان ایستگاه ۷۲ گروه امداد و نجات راهی محل شدند که دریافتند مردی به علت نامعلومی از قسمت خیابان عبادی وارد مسیل شده ولی با توجه

به تاریکی کانال قادر به خروج از مسیل نیست و گرفتار شده‌است. علی جعفری، افسر آماده منطقه ۶ عملیات سازمان آتش‌نشانی گفت: با توجه به تاریک بودن هوا و بسته بودن روی کانال مسیل، این شخص درمیان تاریکی هوا، راه خود را گم کرده و در داخل این کانال به دام افتاده بود که نیروهای آتش نشانی با شناسایی مکان دقیق این فرد، پس از باز کردن یکی از درهای اضطراری این کانال، با استفاده از تجهیزات وارد مسیل شده و وی را به بیرون از کانال منتقل کردند. جعفری با اشاره به اینکه این شخص هیچ‌گونه آسیبی ندیده بود، خاطر نشان کرد: علت بروز این حادثه هم اکنون توسط کارشناس آتش‌نشانی منطقه در حال بررسی است.

### آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز ماشین سواری پژو آردی آی ۱۶۰۰به رنگ یشمی روغنی به شماره به موتور ۰۲۷۲۹۳۱۷۸۴۰۱به شماره شناسی ۱۳۴۲۹۲۵۵، به شماره پلاک ۳۱-۱۷۹۸۵۳۱ ایران ۳۵ به نام علیرضا شهبابی گل تبه مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط می گردد. تبریز

### آگهی اعلام مفقودی

سند و برگ فروش سواری سمند Ixx۷۷ مدل ۹۳ پلاک قدیم ۸۴-۶۴۳-۵۴، پلاک جدید ۸۴-۴۱۹-۸۱ ش موتور ۰۴۰۶۱۵۹-۱۲۴، ش شاسی ۰۵۱۶۶۴۰۵۱naac۹۱cc۵ef۶۶۴۰۵۱ به نام: سمیرا آذری فرزند مردابخش، کد ملی ۲۳۹۲۱۲۵۸۳۰ مفقود واز درجه اعتبار ساقط است. | شیراز

### آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز و تسلسل اسناد خودرو و سواری مزدا مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۱۵-۴۱۷-۱۲ و به شماره موتور Lf۱۰۹۴۷۵۹۹ و به شماره شناسی NAGDSXBCC۲۱۸۴۰۰۷۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز